

## مراد اورنگ

## علی علیه السلام در برهان الحق

در صفحه ۱۷۹ چاپ سوم برهان الحق می نویسد گروهی از اهل حق پس از انتشار چاپ اول این کتاب فرموده اند گرچه مسلک ما اهل حق از فرقه علی الهی جداست و خدا را بوحدانیت می شناسیم و غالی هم نیستیم ، لکن از آنجائی که حضرت ملی (ع) را دوست داریم ، انتظار میرود در چاپ دوم کتاب توضیح بیشتری از علو مقام آنحضرت داده شود .

در دنبال مطالب فوق پس از اشاره به مقام رفیع حضرت علی علیه السلام ، دو آیه از قرآن مجید را گواه می آورد . اینک آن دو آیه :

۱ - قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفذ كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا (سوره ۱۸ - آیه ۱۰۹) . یعنی بگو ای محمد اگر دریا مرکب باشد برای نوشتن کلمات پروردگار ، هر آینه دریا تمام می شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم تمام شود ، اگرچه همانند آنرا مدد بیاوریم .

۲ - و لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم (سوره ۳۱ - آیه ۲۷) . یعنی اگر آنچه در زمین است از درختان ، قلم شوند و دریا (مرکب شود) که آنرا مدد رساند و پس از آن (نیز) هفت دریا (مرکب شوند) ، سخنان خدا پایان نیابد ، بی گمان خدا عزیز حکیم است .

اولاً این دو آیه دربارهٔ وسعت آیات و احکام خدای متعال است که شرح آنها پایان ندارد و در هیچیک از تفسیرها نمی‌بینیم که با مدح و وصف حضرت علی علیه السلام ارتباط داشته باشد.

ثانیاً طرح موضوع بی‌گمان از خود مؤلف است نه از سوی اهل حق. زیرا نوشته‌های آئین یارسان آشکارا نشان می‌دهد که حضرت علی علیه السلام دارای مقام الوهیت یا مظهر کامل خدا بوده. اینگونه نوشته‌ها صریحاً می‌رساند که ذات حق تعالی در وجود حضرت علی جلوه کرده و بعد از او هم در وجود سلطان اسحاق مؤسس آئین حقیقت درآمده است و با این ترتیب سلطان اسحاق مظهر علی علیه السلام است. اینک گواهی‌هایی از کلامهای سرانجام و دیگر نوشته‌های آئین یارسان:

پیرنالی موردینی خطاب به سلطان اسحاق می‌گوید:

شام و شاره زوربارگت آمائی هاو دسته وه ذوالفقار شاهی

یعنی ای پادشاه من: تو در شهر زور بارگات را گذاشتی. اینک در

دست تست ذوالفقار پادشاهی.

پیرسلیمان اردلانی دربارهٔ سلطان اسحاق می‌گوید:

بارگه شام لوان وست وبر و بحر . پی رواج دین سلطان صفدر

یعنی بارگاه پادشاهم رفت قرار گرفت در بحر و بر برای رواج دین سلطان صفدر.

پیرعیسی بساکنی گوید: علیش دی و حق ذات بنیامین .

یعنی ذات پیربنیامین علی را بحق دید.

از پیرحمزه بره شاهی:

بارگه شام وستن آوکوی اورامان ذات و خالقی خانی غلامان

یعنی بارگاه پادشاهم سلطان اسحاق در محال اورامان قرار گرفت.

ذات خداوند مأمن امید غلامان است .  
 از پیر حسین استانبولی :  
 شام سلطان سحاك نه كوی ستر آمان موسای کلیمش چری نه دامان  
 یعنی پادشاهم سلطان اسحاق در (کوه طور) آمد . موسای کلیم الله را  
 صدا کرد در دامنه آن کوه .  
 پیر صفر قلاجه در وصف سلطان اسحاق میگوید :  
 نه هفت آسمان و نشن آگا هر آون علی جامه مرتضی  
 یعنی از هفت آسمان آو آگاه است اوست مظهر علی مرتضی  
 از پیر عزیز هودانه :  
 و ظاهر سلطان و باطن خدان روز ازل رو رنگش کرد بیان  
 یعنی در ظاهر سلطان اسحاق و در باطن خداست . در روز ازل این رنگ  
 را بیان کرد .  
 شیخ امیر از روز ازل یا روز الست بر بکم سخن میراند و در دنبال آن  
 از آفرینش آدم و حوا یاد میکند تا میرساند به آنجائی که خداوند در وجود حضرت  
 علی علیه السلام تجلی کرده :  
 چنی ژیش و یرد چنی ژیش و یرد چند ساعت آما چنی ژیش و یرد  
 نه کس نزان بی ، بی خاو و بی خورد تاودون شای مردان آخیز ک د  
 یعنی چند وقت از آن گذشت چند ساعت آمد و چندی از آن گذشت  
 خدا در عالم کس ندان بود بدون خواب و خورد تا اینکه در وجود شاه مردان  
 ظهور کرد .  
 بشنوید از مرحوم حاج نعمت الله جیحون آبادی پدر نور علی اللهی در کتاب  
 شاهنامه حقیقت :  
 خداوند باشد به هر دو جهان اگر بد خدای دگر در نهان

که او هم علی داند ار هست و نیست      همی دانم آن ذات حق با علیست  
 خدائی که گویند در لا مکان      اگر هست آن هم علی داند آن  
 که ما جز علی کس ندانیم بحق      که حق با علی هست در هر طبق  
 ۱ ص ۱۸۹ در ذکر ولادت حضرت علی (

کسی کو بدی ذات حق بر سرش      چگونه کنم وصف اندر خورش  
 همین يك کلام مرورا بود بس      بجز او خدائی دگر نیست کس  
 ( ص ۲۱ )

در بخش معراج رسول خدا صلوات الله وسلامه علیه ، سروده هائی است  
 از مرحوم حاج نعمت الله جیحون آبادی . اگرچه این سروده ها بگوش سنگین  
 و عبارت دیگر غلو آمیز است ، ولی برای اینکه خوانندگان گرامی به عقیده اهل حق  
 درباره علی علیه السلام پی ببرند و بدانند که مرحوم نور علی الهی در این باره  
 پرده پوشی کرده ، از این لحاظ ناگزیر هستیم که آنها را در اینجا بیاوریم :

بفرمود یزدان بصوت علی      کنم راز با تو خفی و جلی  
 علی نیست با حق به موئی جدا      یکی هست اندر صفت با خدا  
 شناسید حق را به جنام علی      به هر جا که بود نکته اولی  
 چو ارشاد شد احمد از کبیر با      علم فرحناک گردید از آن بارگاه  
 سه مطلب بر او کرد حق آشکار      سرافراز گردید از لطف یار  
 چو آگه شد از سر حیدر رسول      بدانست حق اوست اندر اصول  
 مگو بود سر علی آن زمان      که بر قلب احمد بدی آن نهان  
 سه اسرار آندم به وی شد عیان      یکی شد نهان و دوتا شد بیان  
 اول بود سر حقیقت مراد      که از حضرت مرتضی گشت یاد  
 مگو بود آن سر در آن روزگار      نشد کشف بر خلق ناسازگار

دویم بد اصولات شرع مبین سیم بود قانون آیین و دین  
که شد آشکارا به هر خاص و عام شریعت روا گشت در آن ایام

محمد از آن گشت حاجت قبول که بسپرد سر را به زوج بتول  
گرفتی چنان دامن او بصدق به اوصاف او اول آمد بنطق  
بگفتا علی اول و آخرست خداوند در باطن و ظاهر است

جز حیدر نباشد به من کس خدا که دیدم همه اوست در دو سرا  
علی گفت با احمد ای نیکرو نکن کشف بر کس تو سر مگو

نهان کن تو اسرار حق زین سکون که تا در حقیقت شوی رهنمون  
محمد از آن گفته خاموش شد و لیکن بیاطن ابا هوش شد

نگفتا دگر بهر کس سر حق ولی بنده بودی بحق زان ورق  
اینها قسمت هائی بود از کتاب شاهنامه حقیقت در مورد عقیده اهل حق

نسبت به مقام حضرت علی علیه السلام مطالب غلو آمیزتر دیگری هم دارد که  
نوشتنی نیست. هر کس بخواهد می تواند بویژه صفحه ۲۰۵ کتاب نامبرده را  
بخواند و اطلاعات بیشتری بدست آورد.

در پایان لازم است این نکته را نیز یادآور شوم که مرحوم حاج نعمه الله  
جیحون آبادی به زیارت خانه خدا در مکه نرفته، بلکه حاجی بودن او از لحاظ  
زیارت مقبره سلطان اسحاق در روستای نوسود کردستان میباشد. زیرا آنجا  
کعبه یارسان است و کسانی که به زیارت آنجا بروند حاجی خوانده می شوند.

(دنباله دارد)